



## "تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها"

عنوان فوق، یک ضرب المثل مشهور افغانستان است و به واقعیت و حقیقت هم بسیار قرین است. چند روز قبل خبری در بی بی سی نشر شده بود که حاکی بود از توقیف چند افغان در شهر کرج ایران به جرم عضویت در سازمان تروریستی داعش و تلاش شان جهت بم گذاری و یا هم حملات انتحاری در روز های عید رمضان در آن ماوا.



به تعقیب آن یکی دو نفر از مقامات حکومت پیشین افغانستان، به شمول رئیس امنیت پیشین "احمد ضیاء سراج" و نیز افرادی نزدیک به جبهه مقاومت خیالی فوراً عکس العمل نشان داده و ادعا کردند که آنان فرزندان یک قوماندان مشهور شورای نسوار هستند که هیچ ارتباطی به داعش ندارند. آنان مدعی شدند که عکس فوق نیز از سالهای قبل است که همین فرد و برادرش از سوی ریاست امنیت حکومت پیشین توقیف و زندانی شده بودند.

حال سوال اینجاست که هر روز صدها افغان در ایران توقیف و زندانی می شوند، هزاران افغان در زندانهای ایران سالهاست به سر میبرند، هزاران افغان دیگر روزمره با هزاران توهین و تحقیر و لت و کوب به گفته خود مقامات آخندی ایران "رد مرز" می شوند. ده ها و صد ها افغان هر روز کشته و زخمی می شوند، ولی تنها و تنها در مورد همین دو نفر، چندین نفر عکس العمل نشان میدهند و از آنان دفاع میکنند و حتی با عذر و زاری و الحاح از مقامات جمهوری اسلامی ایران تقاضا و خواهش میکنند تا آنان را آزاد نمایند.

پس معلوم می شود که یک جای کار می لنگد.

اگر این افراد ریگی در کفش نداشته اند، چرا در زمان حکومت پیشین افغانستان توقیف و چرا و چگونه هم بلافاصله آزاد گردیده اند؟

همین سال گذشته یک کلیپ ویدئویی در یوتیوب دست به دست می شد که همین افراد و اشخاص شورای نسواری در پاریس و در زیر برج ایفل پاریس گردهم آمده بودند و سخنرانی ها ایراد کرده و شعار ها سر داده بودند. یکی از آن جمع لندگران با بسیار احساسات شدید، در بین آن جمع با شدت تمام شعار می داد که " ... داعش دشمن طالب است، ما هم دشمن طالب هستیم... داعش حکومت اسلامی می خواهد، ما هم حکومت اسلامی می خواهیم، داعش مخالف خارجی ها است، ما هم مخالف هستیم و... و در نتیجه ما با داعش هیچ مشکلی نداریم و... چرا باهم متحد نشویم". این شعار ها در حالی در روز روشن و در مرکز پاریس داده می شد که فرانسوی ها و پولیس پاریس نیز حضور داشت.

حال که خود با قاطعیت چنین تبلیغ میکنند، پس حتماً روابطی باهم دارند. در کابل که آنان در اوج قدرت نمائی شورای نسوار، توقیف و زندانی شدند، تلفونها شروع به فعالیت کردند و بلافاصله آزاد شدند و اکنون نیز احمد و محمود و زهرا و شکیلا در همان بی بی سی به فعالیت آغاز کردند تا آنها را از جنگ پولیس ایران آزاد سازند.

آنکه دی سر بر آستان آخندان ایران می سائید و با شد و مد فریاد میزد که "نگفتمت مرو آنجا که آشانات منم"، امروز به ندبه و تضرع درآمده است که همین چند نفر مشخص بی گناه اند، زیرا آنان فرزندان یک قوماندان شورای نسواری هستند، همین فرد هیچگاه در زندانی شدن، کشته شدن، شکنجه شدن و توهین و تحقیر شدن و ردمرز شدن هزاران هزار افغان مظلوم، عکس العملی نشان نداده و همه را با خاموشی مطلق نظاره گر بوده است.

جالب اینجاست که همین شیرکاغذی و همین پوقانه هوائی، از طریق رفیق شفیق آخندی خود، یکی از فعالین مجازی سپاه پاسداران ایران، خواستار آزادی این دو پسر سوال برانگیز خیرالله خیرخواه گردید. آیا چه تفاوتی بین این دو و صدها و هزاران افغان دیگر در ایران می تواند باشد که چندین تن از مقامات حکومت پیشین افغانستان به شمول یکی از وکلای پیشین پارلمان بنام "محمد نسیم مدبر" نیز بر بی گناه بودن آنان تأکید کرده است.

واقعاً هم اگر "چیزکی" نباشد، مردم چیزها نگویند.

"مرو آنجا که آشانات منم". اگر این افراد و اشخاص مشغول کار های غیر قانونی و تروریستی نبوده اند، چرا در کابل توقیف گردیده بودند و اکنون چرا در ایران توقیف شده اند.

رئیس امنیت پیشین افغانستان؛ ادعا میکند که آنان را به جرم اینکه با یک خیاط ارتباط تلفونی داشته اند که آن خیاط با افراد داعش در ارتباط بوده اند و در ظرف دو ساعت تحقیق، معلوم شد که بیگناه

بوده اند و...، عجب تحقیقات دامنه دار و وسیع و شافی و کافی و سریع السیری. دیروز هم یک زن ارتباطی شورای نسواری و پاسداران انقلاب آخندی از ایران مدعی می شود که یک تکسی ران به نیروهای پولیس و امنیتی آخندی اطلاع داده بوده است که آنان مشکوک به نظر میرسیدند و...، عجب افراد و اشخاصی که گاهی با خیاط تروریست در ارتباط بوده اند و گاهی هم با تکسی ران تروریست و شاهدان "بیگناهی" آنان نیز همه از شمالی و پنجشیر و شورای نسواری اند، پس کور هم میدانند که "دلده شور است". اگر این جمع منفور ریگی در کفش ندارند، چرا چنین مشوش و بی قرار هستند؟

---

استقلال- خپلواکی: با عرض معذرت از نشر کلیپ متذکره نظر به دلالتی صرف نظر گردید.